



پنجشنبه ۹ بهمن ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۵۲۵

فرهنگ و هنر

به عبارت دیگران

آمریکایی‌ها

در ایران چه می‌کردند؟

دوره اول سلطنت
محمدرضا با اشغال
ایران توسط
ارتش‌های سه‌گانه
متفقین آغاز می‌شود،
که اواخر شهریور



کدآورنده:تقی دراکام

۱۳۲۰ نیروهای خود را وارد تهران کردند...
به هر حال، پس از این رژه (شوروی‌ها) هیچ سرباز
و درجه‌دار و افسر شوروی در شهر دیده نمی‌شد. از
یک منبع مطمئن شنیدم که فرمانده کل نیروهای
شوروی دستور داده هر کس از افراد او در ملاعام
ظاهر شود به شدیدترین وجه، حتی اعدام مجازات
خواهد شد. انگلیسی‌ها نیز کمتر دیده می‌شدند و
غالباً در باشگاه‌های خود بودند.

وضع آمریکایی‌ها به کلی متفاوت بود. آنها در
خیابان امیرآباد یک باشگاه داشتند که مخصوص
افسران و درجه‌داران‌شان بود. روزانه به هر کدام یک
بسته به عنوان جیره غذایی می‌دادند، که هر بسته
برای مصرف ۵-۶ نفر کافی بود. در هر یک از بسته‌ها
انواع و اقسام کنسروها، انواع نان، ویتامینی که باید
روزانه مصرف می‌کردند، ۲ بطری پرسی و ۲ بسته
سیگار خوب بود.

آمریکایی‌ها سرعت باشگاه امیرآباد را به مرکز
فحشا تبدیل کردند. کامیون‌های آمریکایی به
مرکز شهر می‌آمدند و دخترها را جمع می‌کردند
و به باشگاه می‌بردند. دخترهایی که به این
اوضاع تمایل داشتند، صف می‌کشیدند و منتظر
می‌ماندند؛ مثل اینکه در صف اتوبوس هستند.
کامیون‌های روبراز ارتش آمریکا می‌آمد و
۳۰۰-۲۰۰ دختر را سوار می‌کرد و می‌برد.
آمریکایی‌ها هر چند پول نداشتند ولی با همین
بسته‌ها دخترها را راضی می‌کردند.

من با یکی از کسانی که به باشگاه می‌رفت آشنایی
داشتم و دیدم که در انبار خانه او تا زیر سقف از این
بسته‌ها چیده است. هر روز که می‌رفتند یکی دو
بسته می‌گرفتند. این بسته‌ها قیمت گرانی داشت و
خرید و فروش می‌شد.

یکی از کسانی با آمریکایی‌ها می‌رفت، خاله
محمدرضا بود، که اکنون شاه ایران شده بود.
فرد دیگر که می‌شناختم، یک دختر ارمنی بود
و پدرش یک کارگر زحمتکش بود. من با این ۲ نفر
بارها صحبت کردم و گفتیم که این کار صحیح نیست
و عمل شما در شأن فاحشه‌های کنار خیابان است.
خاله محمدرضا خیلی رک و صریح می‌گفت: خیر،
افرادی که در باشگاه هستند هم تپیم ما هستند و
هیچ اشکالی ندارد.

حسین فردوست

ظهور و سقوط سلطنت پهلوی

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

جلد ۱، صفحات ۱۲۳ و ۱۲۴

زندگی و راه‌های مختلف آن

به یک راه می‌ماند. به یک راه که باید رفت؛
زندگی‌مان را می‌گویم. شاید راه‌های مختلفی باشند
که از همه‌شان بشود رفت و رسید. همه‌شان بخورند
به همان بزرگراه، به همان صراط مستقیم اما توی
همه این راه‌ها یک نفر هست که می‌جلوی پای‌مان
مانع بگذارد و جاده‌های انحرافی بکشد؛ راه‌های خاکی
که تا جینیم، کیلومترها از مقصد دورمان کرده است.
به یک راه می‌ماند.

به یک راه که باید رفت؛ زندگی‌مان را می‌گویم.
اما بیش از آنکه راه بیفتیم، یکی از ما عهد گرفته
بود که پشت سر شیطان راه نیفتیم. بنده شیطان
نشویم. یادتان هست؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَلَمْ اَعْهِدْ اِلَيْكُمْ يَا بَنِي اٰدَمَ اَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطٰنَ
اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؟ (سوره یس، آیه ۶۰)

مریم روستا

برای خاطر آیه‌ها

نشر معارف

صفحه ۱۲

آنچه باید به فرزندان‌مان

بیاموزیم...

تا آنجا که مربوط به تربیت بچه‌ها می‌شود، فکر
می‌کنم که به آنها نباید فضیلت‌های ناچیز، بلکه
فضیلت‌های بزرگ را آموخت. نه صرفه‌جویی را، که
سخاوت را و بی‌تفاوتی نسبت به پول راه‌نه احتیاط
را که شهامت و حقیر شدن خطر را. نه زیرکی را
که صراحت و عشق به واقعیت را. نه سیاست‌بازی را
که عشق به همون و فداکاری را. نه آرزوی توفیق را
که آرزوی بودن و دانستن را.

ناتالیا گینبورگ

فضیلت‌های ناچیز

محسن ابراهیم

نشر هرمس

صفحه ۱۰۷

پیامبر اعظم (ص)

امتم همواره در خیر و خوبی‌اند تا وقتی که یکدیگر را دوست
بدارند. نماز برپا دارند، زکات بدهند و میهمان را گرمی بدارند؛
پس اگر چنین نکنند به قحطی و خشکسالی گرفتار می‌شوند.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی

مدیر عامل: رضا شکیبایی

سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷
پیام‌رسان: @vatanemrooz پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم پرتز برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

تخریب سالن‌های سینما در ناآرامی‌های دی‌ماه چه تأثیری بر آینده کاری سلبریتی‌ها خواهد گذاشت؟

پرده‌داری تروریست‌ها



تولیدات سینمایی سال جاری را با چالشی جدی و بلندمدت
روبه‌رو کند.

می‌دانیم که در سینمای ایران مساله اکران فیلم‌ها و
میزان سانس‌دهی به آنها یا زمان سانس‌دهی به آنها همیشه
یکی از دعوای اصلی و از جمله مسائل تعیین‌کننده بوده
است. صدماتی که بابت خارج شدن سینما از اولویت سبد
معیشتی مردم به آن وارد می‌شود، بخشی اقتصادی است و
بخشی روانی. این آشوب‌ها وقتی بر بستر وضعیت نابسامان
اقتصادی قرار بگیرند و با آن ممزوج شوند، می‌توانند روی
عادت سینما رفتن مردم تأثیر بسزایی داشته باشند و این هم
یک نکته دبیهی و پیش‌فرضی مسلم برای تمام کارشناسان
و فعالان حوزه سینماست که یکی از سرمایه‌های اصلی
صنعت سینما در هر کشوری، عادت سینما رفتن مخاطبان
است. چنانکه می‌بینیم حتی با وجود وضعیت بد اقتصادی و
حتی در مرحله‌ای که اعتراضات اجتماعی به شکل آشوب و
ویرانگری و اعمال تروریستی درنیامده بود، سینما می‌توانست
همچنان فروش معقولی داشته باشد و به شکل بنیادین چرخه
تجاری آن تهدید نمی‌شد اما پس از بروز این اتفاقات، شوکی
به بازار فروش وارد شد که برگرداندن آن به حالت طبیعی
به این سادگی‌ها نیست؛ آن هم در حالی که بعضی عوامل
کاهنده تقاضا برای تماشای فیلم‌ها، مثل مشکلات اقتصادی،
همچنان پابرجاست. این وضعیت ممکن است به این زودی
صنعت سینمای ایران را کاملاً فلج نکند اما وقتی پای
مخاطبان عمومی سالن‌ها از آن بریده شود یک گارد دفاعی
طبیعی که تولیدکنندگان خواهند گرفت، کم کردن هزینه
تولید فیلم‌هاست. یعنی از آنجا که بازگشت سرمایه ممکن
است وضعیت مهم‌تری نسبت به گذشته پیدا کند، یکی از
اصلی‌ترین رویکردها برای کم کردن هزینه تولید فیلم‌ها،
حذف چهره‌های مشهور از پروژها و به میدان آوردن بازیگران
ارزان‌تر اما جدید است. اینجاست که مشخص می‌شود رفتار
بعضی چهره‌های مشهور در برخورد با ناآرامی‌ها و عدم تلاش
برای جلوگیری از کشیده شدن دامنه این اتفاقات به اعمال
خوشنوت‌آمیز و تروریستی، چطور روی سرنوشت کاری خود
آنها هم در بلندمدت تأثیر می‌گذارد.

■ **افت فروش و ضرورت حذف چهره‌های گران**

در بازه زمانی ۱۸ تا ۲۵ دی‌ماه ۱۴۰۴، مجموعه گیشه
سینمای ایران به رقم ۴ میلیارد و ۵۵۱ میلیون تومان تنزل
یافت. این در حالی است که تنها یک هفته پیش از این تاریخ
(۱۱ تا ۱۸ دی)، با وجود اینکه اعتراضات وجود داشت اما هنوز
به‌افتشاش کشیده نشده بود، سینماها موفق به ثبت فروش ۲۸
میلیارد و ۸۲۲ میلیون تومانی شده بودند. این ریزش ناگهانی
در حالی رخ داده است که تعداد تماشاگران نیز از ۳۶۷ هزار
نفر به ۶۵ هزار نفر سقوط کرده و سینماداران با واکنشی
اقتیاضی، تعداد سانس‌های نمایش را با ۶۷ درصد کاهش، از
۱۸ هزار به ۴ هزار سانس محدود کرده‌اند. موسسه بهمن سبز
که دارای یک‌سوم از سالن‌های سینمای کشور است اما این
تحلیل را درباره وضعیت کلی سینمای ایران انجام داده، اعلام
می‌کند: «تحلیل مقایسه‌ای آمار در بازه زمانی ۱۸ دی تا ۳
بهمن‌ماه، ابعاد گسترده‌تری از این رکود را در مقایسه با مدت
مشابه سال گذشته نمایان می‌کند. بر اساس اسناد موجود،
سینمای ایران در این بازه زمانی در سال ۱۴۰۳، فروش ۱۱۰
میلیارد و ۵۳۳ میلیون تومانی را با مشارکت یک میلیون و
۹۵۴ هزار مخاطب تجربه کرده بود اما سال جاری (۱۴۰۴)،
این ارقام با کاهش بنیادین به ۳۰ میلیارد و ۶۹۳ میلیون
تومان فروش و ۳۸۱ هزار و ۹۷۶ نفر مخاطب رسیده است.
این داده‌ها نشان‌دهنده افت ۷۰ درصدی درآمد کل و کاهش
۸۰ درصدی ضرب نفوذ مخاطب در مقایسه سالانه است.
کارشناسان حوزه پخش معتقدند تلاقی کاهش ۶۷ درصدی
ظرفیت سانس‌ها با ریزش ۸۰ درصدی مخاطب، نشان‌دهنده
خروج موقت سینما از اولویت‌های سبد فرهنگی جامعه در
دوران ناآرامی است که می‌تواند فرآیند بازگشت سرمایه در

■ **خسارت زیرساختی**

یکی از اصلی‌ترین مشکلات سینمای کشور که تقریباً همه
روی آن توافق دارند و تمام تلاش‌های زیرساختی به اشکال
مختلف در جهت برطرف کردن آن به کار گرفته شده، کمبود
سالن‌های سینما در سراسر ایران است. بخش قابل توجهی از
ظرفیت فروش سینمای ایران در پایتخت متمرکز شده و این
به معنی پررو نبودن سینماهای تهران نیست، بلکه نشانه‌ای
از کم‌روفتی در سینماها یا به عبارتی کمبود سالن نمایش



فیلم در شهرستان‌هاست. بازسازی یا تأسیس یک سالن در
شهرستان کار ساده‌ای نیست. این امر غیر از هزینه‌های تولید
چنین مرکزی، باید از هزارتوی بررسی‌های کارشناسی که
جایابی مکان تأسیس سالن را تأیید می‌کنند بگذرد و سپس
بودجه آن باید تأمین شود و اقدامات متعدد دیگری انجام
شود تا یک شهرستان و گاهی یک استان تنها دارای یک
سالن نمایش شود. به دلیل پیچیده بودن این پروسه است
که می‌بینیم با وجود تلاش‌هایی که در چند سال اخیر صورت
گرفته، به همان سرعتی که توقع می‌رود، سهم شهرستان‌ها از
اکران سینمای ایران هنوز افزایش نیافته است. در دوره ریاست
محمد خزایی بر سازمان سینمایی، پس از حدود ۲۵ سال
دوباره نسبت مخاطبان شهرستانی به تهرانی افزایش پیدا کرد
که این قضیه به معنای پایین آمدن تعداد بلیت‌هایی که در
تهران فروخته شده بود نبود، بلکه معنای افزایش خرید بلیت
توسط شهرستان‌ها را می‌داد و باعث بالا رفتن آمار فروش
فیلم‌ها در سینمای ایران شد. حالا در اتفاقاتی که رخ داده،
خسارت‌های جدی به بعضی سالن‌های سینمای کشور وارد
شده است که به نظر نمی‌رسد جبران آنها به این زودی انجام
شود. یک نکته قابل توجه این است بعضی از این خسارت
طوری وارد شده که نشان می‌دهد عمدی و هدفمند بوده‌اند.
مثلاً به سینمایی در شهر نیشابور طی ناآرامی‌های سال‌های
قبل هم حملاتی شده بود اما آشوبگران موفق به تخریب آن
نشدند و این بار تخریب‌ها به شکلی گسترده و زیرساختی انجام
شد که از افراد عادی، هر قدر هم خشمگین باشند، چنین
کاری بر نمی‌آید؛ چون چنین تخریب‌هایی نیاز به آگاهی از
نقاط حساس و امکانات ویژه دارد.

سینما شهر فیروزه نیشابور یکی از این سالن‌هاست که
حمله به آن از حوالی ساعت ۲۰:۱۵ پنجشنبه، ۱۸ دی‌ماه
شروع شد. مدیر این سینما می‌گوید به دلیل قطع اینترنت
دوربین‌های مدرسه‌سهم هم کار نمی‌کردند و سینما از ۲ شب
قبل به خاطر شلوغی‌ها و برای حفظ امنیت کارکنان و مردم
تعطیل شده بود؛ با این حال وقتی خبر حمله آشوبگران
به سینما به کارمندان و مدیر آن داده می‌شود، به سمت
آنجا حرکت می‌کنند اما در مسیر آسیب‌هایی می‌بینند و
نهایتاً موفق به انجام کار خاصی نمی‌شوند و نجات بعضی
از دارایی‌های سینما هم ممکن نمی‌شود. نتیجتاً غیر از یک
خودروی یگان امداد که مقابل سینما با آتش کشیده می‌شود،
تمام وسایل لابی از دستگاه‌های فروش بلیت اینترنتی تا
کامپیوتر و تلویزیون گرفته تا یخچال‌ها به‌داخل همان ماشینی
که در حال سوختن بوده ریخته می‌شود و چیزهایی که حمل
آنها راحت نبوده مثل تلویزیونی که به تازگی با هزینه ۱۵۰
میلیون تومانی خریداری شده بود، با ضربات تبر از بین می‌رود.
مدیر این سینما می‌گوید سالن آنها ۱۰ پرسنل دارد و اگر مردم
به سینما نیایند پرداخت حقوق همین افراد هم ممکن نیست.
سینما یاسمن شاهین‌شهر، یکی از سینماهای فعال و
پر مخاطب استان اصفهان، مورد دیگری است که نه با تخریب
محدود، بلکه با آتش‌سوزی سراسری، به‌طور کامل از چرخه
حذف شد. شامگاه ۱۸ دی‌ماه به این سینما حملاتی صورت
گرفت و آشوبگران شیشه‌ها را شکستند و تلاش کردند درهای
ورودی را تخریب کنند اما ماجرا آن شب مهار شد و مدیر
سینما بلافاصله فرآیند تعمیرات را آغاز کرد؛ طوری که سالن
سینما از صبح جمعه ۱۹ دی‌ماه کارش را دوباره از سر گرفت
و تا ساعت ۱۸ عصر دایر بود. با این حال از آنجا که برنامه‌ریزی
آشوبگران برای وارد کردن خسارت‌های مالی هدفمند فرهنگی
کاملاً برنامه‌ریزی شده بود، این بار حملات‌شان را نیمه‌شب
انجام دادند و از ساعت ۴:۳۰ تا ۵ صبح موفق شدند همه
چیز آنجا را نابود کنند. حالا از این سینما هیچ چیزی سالم
باقی نمانده؛ نه پرده نمایش، نه صندلی‌ها، نه سیستم صوتی
و تصویری. پروژکتورها، سیستم فروش بلیت، بوفه شخصی
و تمام تجهیزات دیگر این مجموعه هم از بین رفته است.
مدیر این سینما می‌گوید اگر قرار باشد آن را مجدد به چرخه
برگرداند می‌توان این کار را با تعمیرات انجام داد اما همه چیز
باید از نو ساخته شود.

غیر از این موارد، از ایراد خسارات به سینماهای هویزه
مشهد، کیهان آبادان و مهرشاهد تهران هم گزارش شده است
که امکان دارد در گزارش‌های بعدی جزئیات بیشتری از میزان
خسارت‌شان منتشر شود و احتمالاً نام تعدادی از سالن‌های
دیگر هم به این فهرست اضافه خواهد شد.

بدون وقفه کار کنید

پهنای باند اختصاصی رسپینا



021-92 00 00 00

www.respina.net